

تاریخ وصول: ۹۱/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۱۷

بررسی تطبیقی حفظ کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه از منظر حقوق بشر دوستانه اسلامی و اسناد بین‌المللی

ابوالفتح خالقی^۱

حجت‌الله رشنوادی^{*۲}

۷۱

نصائح مطالعات

حقوق بشر اسلامی

بررسی تطبیقی

حفظ کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه ...

ابوالفتح خالقی و همکار

- ۱- استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران
- ۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران، ایران

چکیده

با بروز و گسترش روزافزون مخاصمات مسلحانه در دنیای امروزی، دولت‌ها و مراجع بین‌المللی در تلاشی فراگیر سعی در پیشگیری و یا محدود کردن ابعاد یا قاعده‌مند ساختن نبردها، با تنظیم اصولی در خصوص نحوه برخورد با اقشار آسیب‌پذیر غیرنظامی از قبیل کودکان، زنان، اسرا و مجروحان و ... و نیز شیوه‌های مخاصمه و هدایت عملیات جنگی سعی در کاهش آثار مخاصمات دارند و در راه رسیدن به هدف مطلوب، محدودیت‌هایی نظیر عدم استفاده از سلاح‌های سمی و آتش‌زا و کشتار جمعی را به جهت دارا ابعاد مخرب فراوان و غیرقابل کنترل آن‌ها، قائل شده‌اند. در مجموع هر چند که در متون اسلامی از قبیل کتاب، سنت، و آراء فقها، نتوان به صورت جزئی و همانند اسناد و اقدامات معاصر به حقوق بشر دوستانه پرداخته نشده است ولی اصول و راهبردهای کلی را می‌توان از منابع یادشده استخراج و با اجتهاد پویا بروز کارآمد نمود.

واژگان کلیدی: کرامت انسان، حقوق بشر دوستانه، اسلام، اسناد بین‌المللی.

از سپیده دم حیات بشری تاکنون شاید برهه‌ای از ادوار زندگی انسان را نتوان یافت که خالی از نزاع و مخاصمه بوده باشد و انسان‌ها در صلح و آرامش زندگی کرده باشند. جنگ به عنوان یک امر اجتماعی، پدیده چندوجهی می‌باشد و از مناظر مختلف می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد. مخاصمات را از زاویه حقوقی نیز می‌توان مورد مطالعه قرار داد؛ چرا که در جنگ یکی از طرق اعمال قدرت و جنایات مختلف انسانی و اجتماعی، اقدام مسلحانه است که در چارچوب روابط موجود میان کنشگران عرصه‌های بین‌المللی و داخلی صورت می‌پذیرد و القای یک بینش سیاسی خاص با استفاده از طرق مقرر شده هدف آن می‌باشد، لذا این فرایند در طول زمان موجد قواعد حقوقی فراوانی بوده و یا خالی از ابداع طرفین بوده یا ناشی از اقتضائات منازعات بوده است.

منازعات مسلحانه معمولاً همراه با صرف هزینه‌های فراوان انسانی و مالی و روانی می‌باشد، که مهم‌ترین جنبه آن تلفات فراوان بشری است که به صورت مرگ‌ومیر و معلول و آواره شدن هزاران انسان بی‌گناه جلوه‌گر می‌شود. دین مبین اسلام نیز به عنوان منادی رحمت و مودت میان انسان‌ها همواره از زمان ظهور خود تاکنون در محیطی نشو و نمو پیدا کرده که آکنده از جنگ‌های خونین فراوانی بوده است؛ لذا قطعاً دارای جهت‌گیری‌هایی نسبت به این وقایع و رویدادها می‌باشد، که هدف غایی اصلی آن حفظ کرامت و ارزش بشری در کشاکش نبردها می‌باشد. در این مقاله تلاش بر این است که با بررسی متون اسلامی از قبیل قرآن کریم، سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و نظر فقها، رویکردها و مواضع حقوق بشر دوستانه تبیین شود و مع‌الوصف در این مسیر اقدامات و مواضع بشر معاصر را در قالب اسناد صادره از مراجع بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد، صلیب سرخ جهانی و دولت‌ها در قالب معاهدات

چندجانبه و دوجانبه نیز مورد توجه قرار داده و از نظر تطبیقی مقولات مختلف حقوق بشردوستانه در زمینه حفظ کرامت انسانی مورد مذاقه قرار گرفته شود. تا در این قالب مقایسه‌ای، هم موضع و سهم اسلام در شکل‌گیری حقوق بشردوستانه امروز مشخص گردد و تا حدودی که در قالب این مقاله ظرفیت آن وجود دارد؛ اسناد مرتبط حقوق بشردوستانه معاصر که در زمینه کرامت انسانی دارای موضع‌گیری می‌باشند مورد بررسی قرار بگیرد.

۱- مفاهیم بنیادی

۱-۱) کرامت انسانی

واژه کرامت از جمله کلماتی می‌باشد که معانی مختلفی برای آن ذکر گردیده است. ابن فارس در معنای کریم می‌نویسد: «کریم یا به مفهوم شرافت نفسانی و یا به معنای شرافت اخلاقی؛ و کریم که از اسماء الهی است به معنای بخشاینده گناهان بندگان است» (ابن فارس ۱۴۱۸: ۹۲۳). راغب اصفهانی درباره کرم می‌نویسد: «کلمه کرم در مقام توصیف انسان به معنای خوبی و کردار ستوده است که بالفعل از او ظاهر گردد و جز بر محاسن (نیکی‌های) بزرگ اطلاق نمی‌گردد» (راغب اصفهانی ۱۴۰۴: ۴۲۸). ابن اثیر در معنای کرامت آورده است: «کریم دربردارنده همه انواع خیر و نیکی و شرف و فضیلت‌ها می‌باشد.» و می‌گوید کریم کسی است که: «خویشتن را از آسودگی به هر آنچه که مخالف و عصیان در برابر پروردگار است، منزّه و دور می‌دارد.» (ابن اثیر ۱۴۲۲، ج ۲: ۵۳۵) در قاموس قرآن نیز کرامت به معنای بزرگواری و شرافت، بخشندگی و سخاوت و ارزشمند بودن و عزیز بودن و مانند آن آمده است. (قرشی ۱۳۷۶، ج ۶: ۱۰۳)

آیت‌الله جوادی آملی در بیان معنای کرامت آورده‌اند: «کرامت همان نزاهت از پستی و فرومایگی است. کریم غیر از کبیر و عظیم است. کریم معنایی دارد که شاید در فارسی معادل بسیط نداشته باشد. لذا اگر ما خواسته باشیم کلمه کریم را

به فارسی ترجمه کنیم باید چند کلمه را کنار هم بگذاریم تا معنای کریم روشن شود...». (جوادی آملی ۱۳۸۶: ۲۱)

معنای اصطلاحی کرامت انسانی عبارت است از اینکه انسان بما هو انسان عزیز و شریف و ارجمند است و نیز در تدوین حقوق بشر آنچه مبنای اصلی قرار گرفته است ملاحظات انسان از آن حیث که انسان است، می‌باشد، نه معیارهایی چون، رنگ، نژاد، زبان، جغرافیا، طبقه اجتماعی، اعتقاد دینی و... (مطهری ۱۳۷۹: ۲۲۷)

آیت‌الله جوادی آملی در این خصوص اعتقاد دارند که کرامت انسان در قرآن آن است که در قلمرو دین می‌گنجد. قلمرو دین آن است که انسان، دین‌شناس و همچنین دین‌باور باشد. معرفت، گرایش و منش او، دینی باشد. اگر شخص هوامدار بود، نه خدامحور این خلیفه‌الله نیست و وقتی خلیفه‌ی خدا نبود (کرمناس) شامل او نمی‌شود (جوادی آملی ۱۳۸۶: ۴). در این نگاه کرامت شامل همه انسان‌ها نمی‌باشد که به نظر می‌رسد با سیاق آیه شریفه (لقد کرمناس بنی آدم) که انسان را دارای کرامت ذاتی می‌داند، همخوانی نداشته باشد.

۱-۲) حقوق بشر دوستانه

مفهوم عبارت حقوق بشر دوستانه از جمله مفاهیمی می‌باشد، که با ابعاد و زوایای کنونی آن، از محصولات دوران معاصر می‌باشد. با توسعه و تکامل نیروهای نظامی و جنگ‌افزارهایی که درخواست این نیروها می‌باشد هر روز بر دامنه آثار مخاصمات مسلحانه افزوده می‌شود. این اصطلاح از لحاظ تاریخی متأخر بر مفهوم حقوق بشر به وجود آمده؛ با توجه به قرابت ظاهری و معنایی از این رو به نظر می‌رسد که بیان اجمالی آن‌ها، مفید باشد. اصطلاح حقوق بشر ترجمه عبارت (human right) می‌باشد که ناظر بر آن قسم از حقوقی می‌باشد که اختصاص به حالت و وضعیت معینی ندارد و محور آن‌ها انسان بما هو انسان

و فارغ از تعداد دیگری می‌باشد. اما واژه حقوق بشردوستانه ترجمه عبارت (humanitarian Law) می‌باشد، که مربوط به آن دسته از مقرراتی می‌باشد که در حال درگیری‌های مسلحانه طرفین تخاصم باید آن‌ها را رعایت نماید (محقق داماد ۱۳۹۱/۳/۱۷، www.islamih.com). حقوق بشردوستانه در واقع بخشی از حقوق جنگ به شمار می‌رود؛ اما بین این دو مفهوم نسبت اعم و اخص وجود دارد؛ چرا که حقوق بشردوستانه مجموع قواعد بین‌المللی حاکم بر زمان جنگ است که عمدتاً جنبه حمایتی دارند، مانند حمایت از افراد، اعم از نظامی و غیرنظامی و اموال و اهداف غیرنظامی جنگ. و همچنین مفهوم حقوقی اقدامات مقابله به مثل مسلحانه، آغاز و پایان جنگ و... دارد. (بیگدلی ۱۳۸۵: ۵۵۶)

در حالی که در متون اسلامی مرتبط با آداب و رسوم و قواعد بر مخاصمات، این تکنیک وجود نداشته، و شامل هر دو قسم از مخاصمات داخلی و بین‌المللی می‌باشد، این دسته‌بندی به صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است.

۱-۳) پیشینه

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر گردید مجموعه قواعد و ضوابط حاکم بر مخاصمات به شکل مدون و ضابطه‌مند از دست‌آوردهای دوران معاصر می‌باشد. تا نیمه قرن نوزدهم، این قواعد ماهیتاً عرفی باقی‌مانده و به دلیل وجودشان در زمانه‌های کهن، به خاطر پاسخ‌گویی به پاره از ملزومات دوران خود بودند. همه تمدن‌ها به قواعدی به منظور تقلیل خشونت، حتی نوع نهادینه خشونت که آن را جنگ نامیده‌اند، تاسی کرده‌اند (هنکرت و دسوار بک ۱۳۸۷: ۷). هنری دونان، عالم بصیر و ژرف‌اندیش قرن نوزدهم از پیشگامان حقوق بشردوستانه در دوران معاصر بود. دونان در جستجوی، اصولی بین‌المللی که در قالب یک کنوانسیون، ضمانت اجراء داشته و غیرقابل نقض باشد، است و به منظور حمایت از مجروحان و همه کسانی که در صدد کمک به آن‌ها بودند، باعث پیشرفت اساسی

حقوق بشردوستانه شد. دونان و دیگر بنیان‌گذاران کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بین‌المللی بشردوستانه مبتنی بر معاهده را بنیان نهادند (پیشین: ۷). در این کنوانسیون دوازده کشور توافق کردند که سربازانی که در جبهه زخمی شده‌اند را جمع‌آوری نمایند و به آن‌ها کمک‌های پزشکی برسانند. این کنوانسیون در سال ۱۹۰۶ مجدداً مورد بازبینی قرار گرفت. در کنوانسیون دوم، کنوانسیون اول مورد تجدیدنظر قرار گرفت و جمعیت‌های کمک‌رسانی و انجمن‌های خیریه‌ای که کمک پزشکی می‌رسانند، دعوت به همکاری شدند. در کنوانسیون سوم که در سال ۱۹۲۹ و پس از پایان جنگ اول جهانی در ژنو تشکیل شد، مفادی درباره اسیران جنگی به تصویب رسید و برای جنگ دوم جهانی در ژنو کنفرانس برگزار گردید. این کنوانسیون درباره گسترش مفاد کنوانسیون‌های پیشین مفادی را به تصویب رساند. کشور ایران در تاریخ ۸ دسامبر ۱۹۴۹ این کنوانسیون را امضا کرد و در تاریخ ۲۰ فوریه به تصویب مجلس رسید. (۱۳۹۱/۳/۲۸، pedia.org)

این کنوانسیون‌ها اساس حقوق بشردوستانه را که امروزه قابل اجراست تشکیل می‌دهند. در سال ۱۹۷۷ دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو تصویب گردید که حاصل کار آن‌ها، قواعد حاکم بر نحوه رفتار مخاصمات و قواعد حمایت از قربانیان جنگ می‌باشد. (هنگرتر ۱۳۸۷: ۸)

در سال ۲۰۰۵، پروتکل سوم الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو تصویب شد که در آن سومین نشان حفاظت، یعنی کریستال سرخ به تصویب رسید. این نشان برای کشورهایی که ادیان و مذاهب گوناگون و نژادهای مختلفی در آن زندگی می‌کنند مد نظر می‌باشد (۱۳۹۱/۳/۲۸، www.fa.wikipedia.org). علاوه بر این کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های آن، اسناد مهم دیگری نیز در خصوص حقوق بشردوستانه تصویب گردیده است. از جمله می‌توان به کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد برخی سلاح‌های متعارف و پنج پروتکل آن، پروتکل ۱۹۷۷ اتاوا در مورد منع استفاده از مین‌های زمینی ضد نفر، اساس‌نامه ۱۹۸۸ و دیوان کیفری بین‌المللی،

پروتکل سال ۱۹۹۹ منضم به کنوانسیون ۱۹۵۴ برای حمایت از اموال فرهنگی در
مخاصمات مسلحانه و همچنین پروتکل سال ۲۰۰۰ اشاره کرد.

۴-۱) قواعد اساسی

حقوق بشردوستانه به مثابه عامل نظام‌بخش و محدودکننده طرفین درگیر بر
اعمال و استفاده از ابزارهای جنگی از اصول و قواعد متعدد تشکیل یافته است.
این اصول بشردوستانه قبل از آن که در مقررات لاهه و کنوانسیون‌های ژنو به
صورت مدون و موضوع تدوین گردد، در حقوق اسلامی سابقه دیرینه‌ای دارند.

الف: اصل تفکیک

مطابق این اصل، طرفین درگیر همواره باید بین افراد غیرنظامی و رزمندگان
تفکیک قائل شده و حملات فقط می‌تواند علیه رزمندگان انجام شود. حملات
نباید متوجه افراد غیرنظامی باشد. در اسلام نیز به مسئله تفکیک میان نظامیان و
غیرنظامیان بسیار توجه شده و براساس حقوق و آموزه‌های اسلامی کشتار
غیرنظامیان منع شده است. به عنوان مثال در آیه ۱۹۰ سوره بقره، خداوند متعال
می‌فرماید: "و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لاتعدوا ان الله لا یحب
المعتدین". به این معنی که در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما
برخیزند، جهاد کنید. در مجموع می‌توان چارچوبی که در آن خطوط کلی رویکرد
قرآنی را به حقوق بشردوستانه را پیدا نمود، در آیات ۱۹۰ الی ۱۹۴ سوره بقره و
آیات ۱۰۲ الی ۱۱۰ سوره آل عمران جستجو کرد (سلطان ۱۳۷۲: ۲۲۳). در
سنت پیامبر اکرم (ص) نیز مواردی وجود دارد که مؤید رعایت و توجه ایشان به
این اصل بوده است. برای مثال حضرت وقتی از غزوه حنین باز می‌گشت متوجه
شدند که زنی کشته شده است و خطاب به یاران خود گفت: پیغمبر تو را نهی
می‌کند از آنکه کودکی یا زنی از کافران را به قتل آوری.

فقها نیز با استنباط از این چارچوب‌ها و منابع، در خصوص اصل حمایت از افراد غیرنظامی و مراقبت از آنان اقدام به استنباط احکامی در این خصوص نموده‌اند. شیخ محمدحسین نجفی، صاحب اثر ارزشمند جواهرالکلام می‌فرماید: کسی از فقهای شیعه را سراغ ندارم که با موضوع حمایت از افراد غیرنظامی و مراقبت از آنان مخالف باشد. (نجفی ج ۱۲: ۷۴)

اصل ایجاد تفکیک میان افراد نظامی و غیرنظامی نخستین بار در اعلامیه سن پترزبورگ وضع شد، این اصل اظهار می‌دارد که «تنها هدف قانونی که دولت‌ها حین جنگ باید تلاش کنند بدان دست یابند آن است که قوای نظامی دشمن را تضعیف کند». در ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول نیز مقرر گردیده است: باید همواره غیرنظامیان را از نظامیان و اهداف غیرنظامی را از اهداف نظامی تشخیص داد و در نتیجه عملیات نظامی را فقط به اهداف نظامی معطوف داشت (www.icrc.org، ۱۳۹۱/۳/۲۷). ممنوعیت حمله علیه غیرنظامیان در پروتکل دوم، پروتکل اصلاحی ۲ و پروتکل ۳ کنوانسیون برخی انواع سلاح‌های متعارف و در کنوانسیون اتاوا در مورد منع مین‌های زمینی ضد نفر گنجانده شده است. علاوه بر این، براساس ماده ۸ (۲) ب (۱) اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، حمله عمدی به جمعیت غیرنظامی یا علیه افراد غیرنظامی که نقش مستقیمی در درگیری‌ها ندارند، در حوزه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، جزء جنایات جنگی می‌باشند (هنکرتز ۱۳۸۷: ۶۳). در زمینه درگیری‌ها مسلحانه اعم از بین‌المللی و غیر بین‌المللی نیز، همین قواعد جاری است و هیچ نوع رویه رسمی مغایری مشاهده نشده است (پیشین: ۶۱۶). لازم به ذکر است در متون اسلامی مرتبط با منازعات و مخاصمات، تفکیکی میان احکام و قواعد ناظر به جنگ‌های داخلی و بین‌المللی قائل نگردیده و قواعد آن مشمول هر دو حوزه می‌گردد. چرا که این احکام، منشأ الهی دارند و باید به وسیله همه بدون تبعیض و تمایز مراعات گردند. (سلطان ۱۳۷۲: ۲۲۴)

ب- اصل تناسب

یکی دیگر از اصولی که در دین اسلام به آن توجه گردیده است اصل تناسب می‌باشد. براساس این اصل، صدمات اتفاقی ناشی از یک حمله در مقایسه با مزیت نظامی مستقیم و قطعی حاصل از آن عملیات، باید متناسب باشد (عمید زنجانی ۱۳۹۰: ۱۲۸). در میان اسناد بین‌المللی، اصل تناسب در ماده ۵۱ (۵) (ب) از پروتکل الحاقی اول به کنوانسیون‌های ژنو پیش‌بینی شده و در ماده ۵۷ تکرار گردیده است. به موجب این ماده «در هیچ حادثه‌ای نباید میزان خسارت نسبت به مزیت نظامی مستقیم و پیش‌بینی شده بیشتر باشد (www.icrc.org، ۹۱/۳/۲۸)». اصل تناسب در پروتکل دوم و پروتکل اصلاحی منضم به کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف نیز گنجانده شده است. علاوه بر این به موجب ماده ۸ (۲) ب (۴) اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، حمله عمدی با علم به این که چنین حمله‌ای به طور ضمنی باعث اتلاف جان یا آسیب رساندن به غیرنظامیان یا صدمه زدن به اموال غیرنظامی می‌شود ... و به وضوح زیاده بر مزیت نظامی مستقیم و عینی مورد انتظار است، جنایت جنگی در جریان درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی محسوب می‌شود. این اصل در معاهدات جدید قابل اعمال بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، یعنی پروتکل اصلاحی ۲ منضم به کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف، گنجانده شده است. به علاوه همین اصل در سایر اسناد ناظر به درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی نیز وارد شده است. (هنکرتز ۱۳۸۷: ۱۲۴)

۲- رویکرد بشردوستانه با افراد خارج و حاضر در نبرد از منظر اسلام و اسناد

بین‌المللی

در این قسمت به بررسی متون اسلامی و اسناد بین‌المللی از منظر چگونگی برخورد با افراد مختلفی که در مجاورت منازعات و مخاصمات هستند می‌پردازیم

و تلاش بر این است که با مقایسه این دو رویکرد به مواضع حقوق اسلامی در خصوص کرامت انسان در میدان‌ها جنگی دست یابیم.

۱-۲) حمایت بشردوستانه خاص از غیرنظامیان و افراد خارج از صحنه نبرد همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد اصولاً در صحنه جنگ و در زمان مخاصمات مسلحانه، افراد به دو دسته نظامی و غیرنظامی تفکیک می‌شوند. رزمندگان هدف مشروع هستند و با مراعات اصول و قواعد حقوق بشردوستانه می‌توان با آن‌ها به رزم پرداخت، این در حالی است که دیگران یا به عبارت دیگر، غیرنظامی‌ها و شهروندان عادی مورد حمایت حقوق بشردوستانه محسوب می‌شوند و به هیچ‌وجه نباید هدف نظامی باشند، تا زمانی که به صورت مستقیم در مخاصمات شرکت کنند. در حقوق اسلامی شهروندان عادی و حتی کسانی که در جبهه حضور دارند، ولی کار مطبوعاتی می‌کنند و نیز تمامی کسانی که کاری مربوط به تقویت بنیه نظامی دشمن انجام نمی‌دهند، از مصونیت برخوردارند. (عمید زنجانی ۱۳۹۰: ۱۳۵)

در عصر حاضر نیز تا قبل از سال ۱۹۴۹ و تصویب کنوانسیون‌های ژنو غیرنظامیان از هر گونه حمایت حقوقی محروم بودند (ضیائی بیگدلی ۱۳۸۴: ۹۰). علی‌رغم این تلاش‌ها، متأسفانه در عمل افراد غیرنظامی و اسراء و مجروحان همواره در طول منازعات به صورت گسترده و جدی از مخاطرات ناشی از آن متحمل خسارات جانی و مالی فراوانی می‌گردند. علی‌هذا در این قسمت به بررسی وضعیت اقشار مختلفی که معمولاً به خاطر وضعیت خاص فیزیکی یا اجتماعی و یا سایر موارد از حمایت‌های خاص برخوردارند، می‌پردازیم.

۱-۱-۲) ملاحظات بشردوستانه نسبت به کودکان و زنان

کودکان به خاطر داشتن موقعیت خاص فیزیولوژیک و آسیب‌پذیری فوق‌العاده

آنان، همواره جزء قسمت عمده تلفات ناشی از مخاصمات محسوب می‌شوند. دین مبین اسلام نیز به عنوان منادی رحمت در خصوص اتخاذ توجهات و حمایت‌های خاص از کودکان واجد دستورات الزامی می‌باشد. رسول اکرم (ص) در سیره قولی و فعلی خود همواره یاران و اصحاب را به مراعات احوالات و حقوق آن‌ها توصیه می‌نمودند. ایشان صراحتاً هرگونه تعرض به اطفال تبعه دشمن را منع کرده‌اند (سرخسی ج ۴: ۸۲). در نامه‌ای که ایشان خطاب به عبدالرحمن عوف نوشته‌اند آمده است: «ای پسر عوف همیشه در راه خدا بجنگ و با آنان که به او نگریده‌اند نبرد کن ولی هیچ‌کس را مثله نکن و هرگز کودک یا زنی را نکش». (حمید الله ۱۳۸۴: ۳۴۸)

ایشان همواره بر این دستور خود تأکید داشته‌اند و قتل زنان و کودکان را در دارالحرب نهی می‌کردند، مگر اینکه این عده مشغول جنگیدن باشند. (حر عاملی ۱۴۰۳: ۴۸)

در دوران معاصر که شاید بتوان آن را دوران جنگ و خشونت نامید، متأسفانه به علت ابداع جنگ‌افزارهای با قدرت تخریب فراوان و کشندگی وسیع، هر ساله آمار تلفات کودکان و زنان رو به تزاید می‌باشد. این امر باعث گردیده که در خصوص حمایت از کودکان برخی از اسناد بین‌المللی تصویب گردد.

دولت‌ها به موجب مواد ۲۳، ۲۴، ۳۸، ۵۰، ۷۶ و ۸۹ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۷۰ (۱) پروتکل الحاقی اول، مکلف به اتخاذ تدابیر حمایتی ویژه در تبادل کودکان شده‌اند. مواد مذکور ناظر بر تغذیه، پوشاک، دارو، مراقبت از ایتام یا کودکان جداشده از خانواده، چگونگی رفتار در دوران محرومیت از آزادی و توزیع محموله‌های امدادی است. در ماده ۷۷ (۱) پروتکل الحاقی اول با بیانی کلی تصریح گردیده است که «کودکان می‌بایست از احترام ویژه برخوردار شوند.» در این خصوص مواردی نیز توسط کنوانسیون حقوق کودک و سایر اسناد بین‌المللی مورد اشاره قرار گرفته است. (هنکرتز ۱۳۸۷: ۶۸۴)

لزوم رعایت احترام ویژه به کودکان و حمایت از حقوق آنها در اسناد حقوقی مرتبط با درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی نیز قید شده است. مضافاً اینکه در کنوانسیون چهارم ژنو مقرر گردیده است، مجازات مرگ نباید علیه فرد مورد حمایت که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال سن داشته باشد، اجرا شود. پروتکل الحاقی اول نیز مقرر می‌دارد که مجازات مرگ در رابطه با جرم مرتبط با درگیری مسلحانه نباید در مورد افرادی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند به اجرا گذارده شود. پروتکل‌های الحاقی اول و دوم نیز استخدام کودکان در نیروهای نظامی را ممنوع اعلام کرده است. (۱/۴/۱۳۹۱، www.icrc.org)

در خصوص زنان نیز مقررات مشابهی وجود دارد. به اجماع فقهای اسلام، زنان نیز از تعرض مصون‌اند و کشتن آنها ممنوع است. مستند فتوای فقها، نصوص منقول از پیامبر و نیز عمل وی و خلفاست. پیامبر فرموده است: «لا تقتلوا إمرأةً و لا ولیداً» از راه‌های مختلف نقل شده که پیامبر وقتی می‌خواست گروهی را به جنگ اعزام کند، قبل از حرکت برای آنان چنین می‌گفت: «به نام خدا و با استعانت از او حرکت کنید و مراقب باشید که زن یا کودکی از آنان را نکشید». به نظر بسیاری از مفسران قرآن، کشتن زنان و کودکان از مصادیق «اعتداء» می‌باشد، که در قرآن به موجب آیه ۱۹۰ سوره بقره منع شده است. ابی‌عباس و مجاهد نیز گفته‌اند: «نهی اعتداء به منظور منع از کشتن زنان و کودکان وارد شده است (عمید زنجانی ۱۳۹۰: ۱۳۷). امروزه نیز زنان به خاطر آنکه طعمه بسیار خوبی برای جنگجویان هستند، موضوع مقررات خاصی هستند که بر اثر اعمال نفوذ اتحادیه‌های بین‌المللی زنان به تصویب رسیده است. (ضیائی بیگدلی ۱۳۸۰: ۱۲۸)

این مصوبات ناظر به اتخاذ مقررات حمایتی ویژه از زنان و مادران باردار یا دارای کودکی خردسال می‌باشد. در خصوص زنان کنوانسیون چهارم ژنو مقرر

گردیده است: «رفتار با زنان می‌بایست با رعایت کلیه ملاحظات مربوط به جنسیت آنان صورت گیرد.» و در ماده ۷۶ (۱) پروتکل الحاقی اول تصریح گردیده است که «با زنان باید با احترامی خاص رفتار شود.» عدم رعایت این تکالیف در برخی کشورها همچون نروژ و ونزوئلا جرم محسوب می‌شود (هنکرتز ۱۳۸۷: ۶۷۸). در خصوص حمایت از زنان در مخاصمات مسلحانه، سازمان ملل متحد (شورای امنیت، شورای اقتصادی اجتماعی و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد) تمایزی میان درگیری‌های مسلحانه و غیر مسلحانه قائل نشده است، بلکه این قواعد را شامل هر دو قسم از منازعات دانسته است (www.un.org، ۱۳۹۱/۴/۴). در بیست و ششمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال‌احمر که در دسامبر ۱۹۹۵ برگزار گردید در قطعنامه ۲ مقرر گردید برای «اطمینان از این که زنان قربانی درگیری از کمک‌های پزشکی، روانی و اجتماعی برخوردار شوند، به نیازهای ویژه دیگر زنان نیز توجه ویژه‌ای باید مبذول گردد». (www.icrc.org، ۱۳۹۱/۴/۵). در خصوص زنان باردار و مادران کودکان خردسال نیز مصوبات حمایتی خاصی وجود دارد که چتر حمایتی گسترده‌ای برای زنان گشوده است. به عنوان مثال در ماده ۱۶ الی ۱۸ کنوانسیون چهارم مقرر شده است که «مادران زخمی، بیمار و باردار از حمایت‌های خاص برخوردار می‌باشند» و در مواد ۲۱ الی ۲۳، ۳۸، ۵۰، ۸۹، ۹۱ و ۱۲۷ نیز مواد مشابه حمایتی آورده شده است که حکایت از لزوم مراقبت‌های ویژه از زنان باردار و مادران دارای کودک خردسال از جمله تأمین غذا، پوشاک، مراقبت‌های پزشکی، چگونگی تخلیه و حمل و نقل ایشان دارد. در ماده ۸ (الف) پروتکل الحاقی اول نیز مقرر می‌دارد که حمایت و مراقبت از بیماران و مجروحین می‌بایست به مواد مربوط به مامایی و افراد دیگری که نیازمند کمک و مراقبت‌های فوری پزشکی هستند، مانند ... زنان باردار تعمیم یابد. (هنکرتز ۱۳۸۷: ۶۸۲)

مضافاً اینکه ماده ۷۶ (۳) پروتکل الحاقی اول کلیه طرف‌های مخاصمه را ملزم

می‌کند که از هیچ تلاشی برای جلوگیری از صدور حکم مجازات اعدام برای زنان باردار و مادران کودکان خردسال مرتبط با مخاصمه مسلحانه فروگذار نکنند. در سایر اسناد بین‌المللی نیز همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ (۵) ممنوعیت‌هایی در خصوص مجازات اعدام در مورد زنان باردار پیش‌بینی شده است. (مهرپور ۱۳۸۶: ۴۵)

۲-۱-۲) حقوق انسانی اسراء و مجروحان

اسراء جنگی از جمله قربانیان مستقیم منازعات و مخاصمات می‌باشند. در دوران باستان و قرون وسطی، اسیر جنگی معنی و مفهوم امروزی را نداشت. اسیران جنگی و یا به طور کلی شکست‌خوردگان در جنگ محکوم به قتل یا بردگی بودند. بردگی اسیران به این گونه بود که آنان از لحاظ جانی و مالی در اختیار شخص اسیر کننده و یا مقامات نظامی کشور اسیر کننده قرار داشتند و ایشان می‌توانستند به هر نحو که مایل بودند با آنان رفتار کنند (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰: ۱۳۸). با ظهور دین مبین اسلام رویه‌ای نوین در قبال جنگجویان دشمن که به اسارت نیروهای اسلام درمی‌آمدند بنیان گذاشته شد. در قرآن کریم، آیاتی در خصوص چگونگی رفتار با اسراء بیان گردیده است. به عنوان نمونه می‌توان به آیه هشتم از سوره مبارکه دهر اشاره کرد که می‌فرماید: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً»، در این آیه رسیدگی به تغذیه اسیران را در کنار ضرورت تأمین اجتماعی مستمندان و ایتام آورده است، که هر دو از اقشاری می‌باشند که دین مبین اسلام تأکیدات زیادی در خصوص رعایت احوالات آن‌ها بیان شده است که نشانگر اهمیت فراوان حقوق اسیران دارد. مع الوصف به طریق اولی، حفظ حیات اسراء نیز مورد توجه بوده است. به طور کلی می‌توان گفت که رسیدگی، نگهداری و مراقبت از اسیران از واجبات کفایی است و انجام آن به صورت غیرمستقیم بر عهده دولت اسلامی و بیت‌المال است و یا به طور مستقیم

از باب حسبه به دولت اسلامی واگذار می‌شود. (عمید زنجانی ۱۳۹۰: ۱۴۲)

روایات نقل شده در مورد عمل رسول‌الله (ص) نسبت به اسیران بسیار روشن است. همچنین مواردی که پیامبر (ص) فرمان به قتل اسیرها صادر کرده‌اند بسیار محدود و نادر بوده است و چنانچه نمونه‌هایی که وجود دارد به طور دقیق بررسی شوند معلوم خواهد شد که حتی با اینکه معصوم در تعیین سرنوشت و تکلیف نهایی اسیر جنگی اختیار تام دارد، مجازات مرگ هرگز در مورد اسیر اجرا نشده است مگر در مورد جرائمی که اسیر قبل از اسارت و خارج از محدوده جنگ مرتکب شده بوده، از قبیل جرائم عمومی و علیه اشخاصی که ارتباطی به اسارت آن‌ها ندارد. (محقق داماد ۱۳۸۳: ۱۳۷)

از لحاظ مقررات اسلامی پایان دوران اسارت یا به صورت یک‌جانبه و بدون قید و شرط می‌باشد که در اصطلاح قرآنی به آن «من» اطلاق شده و به معنای رایگان و بلاعوض و صرفاً به خاطر مسایل انسانی می‌باشد، و یا از طریق اخذ فدیة می‌باشد. اجرای فدیة هم به دو صورت می‌باشد: یا اینکه کشور متبوع اسیر و یا خانواده‌اش و یا شخص او، در ازای آزادی وی از اسارت، مبلغی به دولت دستگیر کننده بپردازد، چنان‌که پیامبر اکرم (ص)، درباره اسرای بدر چنین فرمودند. دوم اینکه در برابر آزادی اسراء شخص دیگری که در اسارت طرف دیگر جنگ قرار دارد، آزاد شود. (عمید زنجانی ۱۳۹۰: ۱۴۴)

در دوران معاصر نیز قواعد و مقررات حاکم بر رفتار با اسیران جنگی تا مدت‌ها جنبه عرفی داشت، اما امروزه تابع نظامی است که به موجب اسناد بین‌المللی مهمی به طور صریح و روشن مشخص شده است. از جمله مهم‌ترین این اسناد اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴ (مواد ۲۳ و ۲۴)، فصل دوم مقررات لاهه منضم به عهدنامه چهارم مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ (مواد ۴ تا ۲۰)، عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ در زمینه بهبود سرنوشت اسیران جنگی، عهدنامه سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در مورد رفتار با اسیران جنگی و پروتکل‌های مورخ ۱۲ دسامبر

۱۹۷۷ الحاقی به عهدنامه‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو است. ضمناً نقش قواعد عرفی بین‌المللی و رویه قضایی بین‌المللی (از جمله آراء دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو) را نمی‌توان از نظر دور داشت. (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰: ۱۴۰)

در مجموع از منظر مقررات لاهه (مواد ۱ و ۳) و کنوانسیون سوم ژنو (ماده ۴ الف)) اعضای منظم نیروی مسلح از وضعیت اسیر جنگی برخوردارند. و بایستی با آن‌ها همواره رفتاری انسانی داشت (راجرز ۱۳۸۷: ۱۳۱). رویه عملی دولت‌ها نشان می‌دهد که به منظور تفکیک رزمندگان از جمعیت‌های غیرنظامی، از یونیفورم‌ها یا نشانه‌های خاص استفاده می‌کنند و سلاح خود را نیز علناً حمل می‌نمایند، تا در صورت اسارت، از حقوق و مزایای اسرای جنگی استفاده نمایند. لازم به ذکر است اسیران جنگی از ابتدای دستگیری، ضمن پیروی از قوانین و مقررات و دستورات و فرامین کشور اسیرکننده (نه کسانی که آنان را مستقیماً دستگیر کرده‌اند)، وضعیت حقوقی خاصی را دارا می‌باشند، آنان در هیچ حالتی نمی‌توانند از حقوقی که عهدنامه سوم به آنان داده اعراض کنند. پایان اسارت نیز ممکن است در طول مخاصمه و یا پس از آن پایان پذیرد و اسیران به کشورشان مراجعت کنند، اما این امر منوط به تحقق یکی از شرایط یا موجبات زیر نیز می‌باشد: فوت اسیران، مبادله اسیران، ضمانت یا قول اسیران، فرار اسیران، جراحت یا بیماری شدید اسیران و بالأخره پایان مخاصمات فعال. (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰: ۱۴۹)

مجروحان جنگی دشمن که به دلیل جراحات وارده قادر به جنگیدن نیستند نیز از هرگونه تعرض و آسیب نیروهای نظامی در امان می‌باشند. بارزترین نص در مورد مجروحان جنگی، صرف‌نظر از نصوص عمومی، فرمان تاریخی پیامبر اسلام (ص) در جریان فتح مکه می‌باشد، ایشان در روز فتح فرمودند که: «مبادا مجروحی را به حال خود رها کنید تا به کام مرگ فرو برود و دشمن را در حال فرار تعقیب نکنید و اسیری را به قتل نرسانید...» و همچنین به مقتضای عموم و

شمول ادله احسان به دشمن، اسیران مجروح باید مداوا شوند، بلکه مداوای مجروح نسبت به تغذیه و امور رفاهی او اولویت بیشتری داشته باشد. هنگامی که بر آب و غذا دادن، و پذیرایی کردن از اسیر تأکید شده بی شک مداوای او از نظر شریعت اسلام مؤکدتر خواهد بود. (عمید زنجانی ۱۳۹۰: ۱۳۶)

از منظر مقررات غیر اسلامی نیز در گذشته‌های دور اعمال مراقبت پزشکی نسبت به مجروحان و بیماران جنگی به موجب عهدنامه‌های خاصی صورت می‌گرفت که در جریان هر جنگ از سوی فرماندهان نظامی طرفین همان جنگ منعقد می‌شد (ضیایی بیگدلی ۱۳۸۰: ۱۵۴). اولین قرارداد بین‌المللی در زمینه بهبود سرنوشت مجروحان و بیماران جنگی عهدنامه ژنو مورخ ۲۴ اوت ۱۸۶۴ می‌باشد. عهدنامه‌های متعاقب آن نهایتاً در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ مورد تجدیدنظر قرار گرفتند. البته اولین و دومین عهدنامه ۱۹۴۹ ژنو اصول مشابهی در رابطه با حمایت از قربانیان مذکور دارد. عهدنامه‌های یاد شده با پروتکل الحاقی شماره یک (مواد ۸ تا ۳۴) تکمیل گردید. به موجب ماده ۱۲ کنوانسیون اول و دوم، ماده ۱۰ پروتکل اول و ماده ۷ پروتکل دوم، کلیه مجروحان، بیماران و کشتی‌شکستگان باید در هر شرایطی مورد حمایت و احترام قرار بگیرند و نباید کشته و یا مجروح شوند و باید با آنها به طور انسانی برخورد و رفتار شود و در اسرع وقت و به بهترین شکل ممکن تحت معالجه و مراقبت‌های پزشکی قرار گیرند و برای افراد مختلفی که در میدان‌های جنگ‌های مختلف به اسارت گرفته شده‌اند باید شرایط یکسان فراهم شود و هیچ‌گونه تفاوتی نباید وجود داشته باشد، مگر از نظر مراقبت‌های پزشکی (www.icrc.org، ۱۳۹۱/۴/۵).

۲-۱-۳) سایر افراد برخوردار از حمایت‌های بشردوستانه ویژه

عده‌ای دیگر از افراد نیز در ردیف اشخاص وجود دارند که از پوشش‌های خاص حمایتی که در هنگام بروز مخاصمات اعمال می‌شوند برخوردار می‌گردند،

از جمله اشخاص سالمند، نابینا، افراد دارای معلولیت‌های حرکتی و روحانیون. افراد پیر در بیشتر روایات و نظرات فقها در ردیف کودکان و زنان آمده‌اند و از مواردی است که پیامبر(ص) به صراحت از قتل آن‌ها نهی کرده است. (عمید زنجانی ۱۳۸۳: ۱۷۷)

همچنین از آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره می‌توان به صورت کلی، حکم فوق را استنباط نمود.

در احکام اسلامی به افراد نابینا و دارای معلولیت نیز توجه شده است و مورد حمایت قرار دارند، مشروط بر آنکه در جنگ شرکت نداشته باشند. ابی‌عبدالله صادق(ع) در روایتی معلولان جسمی و نابینایان را به کودکان و زنان ملحق و اضافه کرده است که پرداخت جزیه هم بر آنان واجب نیست؛ زیرا اگر واجب می‌بود و آنان از پرداخت جزیه خودداری می‌ورزیدند هم قتلشان مجاز نبود و بنابراین از جزیه معاف‌اند.

صاحب جواهر در خصوص حمایت از افراد معلول و نابینا بیان می‌دارند: «و يلحق به المقعد و الاعمی كما صرح به الفاضل، و سمعت ما خبر فی حفص، لكن ینبغی، تعقید ذلك ایضاً بما اذا لم یكونا ذا رأی فی الحرب و لم یقاتلاً و لم تدع الضرورة الی قتلها كما اذا تترسوا بهما ونحو ذلك مما عرفته». (نجفی ج ۲۱: ۷۴)

در خصوص حمایت ویژه از روحانیون و عبادت‌کنندگان نیز روایاتی وجود دارد. از امام صادق(ع) روایت گردیده است که پیامبر اکرم(ص) هرگاه فرماندهی را به جنگ اعزام می‌فرمود، به یارانش توصیه‌هایی می‌نمودند، از جمله اینکه «آنان را که به صورت تارک دنیا خویش را وقف عبادت نموده‌اند آزار نرسانید». (حر عاملی ج ۱۵: ۵۹)

در فقه اسلامی از روحانیون و پیشوایان دینی تحت عنوان «رجال‌الدین» تعبیر شده است و منظور، روحانیون ادیان مسیحی، یهودی، زردشتی و صابئی هستند

(اهل کتاب). از آیه ۴۱ سوره مبارکه حج چنین استفاد می‌گردد که میان مساجد مسلمانان و معابد سایر ادیان، از نظر احترام تفاوتی وجود ندارد (عمید زنجانی ۱۳۹۰: ۱۳۸). احترام و حمایت ویژه نسبت به افراد سالمند در زمینه تخلیه ایشان از یک منطقه و نحوه برخورد با آحاد محروم از آزادی در مواد ۱۶، ۴۴ و ۴۵، و کنوانسیون سوم ژنو و مواد ۱۷، ۲۷، ۸۵ و ۱۱۹ کنوانسیون چهارم ژنو پیش‌بینی شده است (www.icrc.org، ۱۳۹۱/۴/۷). در قطعنامه شماره ۱ بیست و هفتمین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در سال ۱۹۹۹، کلیه طرف‌های درگیری را ملزم می‌کند که از اتخاذ کلیه اقدامات لازم برای حفظ جان و حمایت و احترام به غیرنظامیان در خلال درگیری‌ها اطمینان حاصل کرده و اقدامات حمایتی ویژه‌ای را برای گروه‌های آسیب‌پذیر و ویژه مانند سالمندان در نظر گیرند.

اعلامیه وین و برنامه اقدام مصوب کنفرانس حقوق جهانی بشر در سال ۱۹۹۳، دولت‌ها و طرف‌های درگیر در درگیری‌های مسلحانه را به رعایت دقیق حقوق بین‌الملل بشردوستانه که نقض آن صدمات بسیاری به جمعیت غیرنظامی به ویژه افراد کهن سال وارد می‌کند فراخوانده است. (هنکرتز ۱۳۸۷: ۶۹۶)

حمایت از معلولین و افراد ناتوان ویژه در کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو پیش‌بینی شده است. در بند ۱ ماده ۱۶ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر گردیده است که افراد ناتوان باید موضوع حمایت و احترام ویژه قرار گیرند (۹۱/۴/۷، www.icrc.org). سابقه احترام به کارکنان امور مذهبی و حمایت از آن‌ها به عنوان یک وظیفه به کنوانسیون ژنو مصوب ۱۸۶۴ باز می‌گردد که کنوانسیون‌های بعدی ژنو مصوب ۱۹۰۶، ۱۹۲۹ تکرار گردید. قاعده مذکور اکنون در ماده ۲۴ کنوانسیون اول ژنو و ماده ۳۶ کنوانسیون دوم ژنو عنوان شده است. مصونیت روحانیون و پیشوایان دینی از نظر فقه اسلامی از آنچه در قراردادهای چهارگانه ژنو و پروتکل الحاقی آمده محدودتر است، زیرا در حقوق اسلامی فرض بر آن

است که پیشوایان دینی در دیرها و صومعه و دور از مردم زیست می‌کنند، در حالی که مواد مربوطه در کنوانسیون‌ها اعم است و شامل روحانیونی می‌شود که به صورت رسمی در پادگان‌ها به تعلیم امور دینی می‌پردازند و سربازان را با تعلیمات دینی آموزش می‌دهند و برای آنان مراسم اجرا می‌کنند (محقق داماد ۱۳۸۳: ۱۲۵). لازم به ذکر است که اقشار دیگری نیز وجود دارند که می‌توانند از حمایت‌های ویژه برخوردار باشند، از قبیل کشاورزان، صنعتگران و ...، لیکن به جهت رعایت اختصار و خارج بودن از حدود حوصله این مقاله از پرداختن به آن‌ها خودداری می‌گردد.

۲-۲) اصول بشردوستانه ناظر به رفتار با نظامیان

علی‌رغم اینکه ماهیت مخاصمات مسلحانه، سرشار از خشونت و خونریزی است و هر کدام از طرفین درگیر تلاش دارند، عرصه نبرد را به سود خود خاتمه دهند، قطعاً این ساحت نیز نمی‌تواند خالی از قاعده و قانون باشد. هرچند که برخی مخالف این موضوع هستند و معتقدند که جنگ یک جنایت است و جنایت را نباید تحت یک قاعده درآورد؛ برای جنایت یا باید مجازات تعیین کرد و یا از وقوع آن جلوگیری کرد (ضیائی بیگدلی ۱۳۸: ۷۶). علی‌رغم این نظر، متأسفانه جنگ به طور قطعی و کامل از صحنه زندگی انسان رخت برنسته است و هر زمان و مکان امکان وقوع جنگ به دلیل نقض تعهدات مربوطه از جانب هر یک از کشورها وجود دارد. حجم خشونت در جنگ بستگی به نوع سلاح‌هایی دارد که از آن در راستای تخریب و کشتار استفاده شده است. لذا در قواعد جنگی اسلام بر حذف برخی از انواع سلاح‌ها که ابعاد تخریبی وسیع و غیرقابل کنترلی دارد تأکید شده است. این استراتژی‌ها می‌تواند ناظر بر تعداد فراوانی از سلاح‌های کشتار جمعی امروزه نیز باشند. مع الوصف دین مبین اسلام با اتخاذ راه‌کارهای مختلفی سعی در ایجاد مکانیزم‌های حمایتی خاص از رزمندگان و

انسان‌ها در کل داشته است.

۲-۱) اصول استفاده از وسایل جنگی

محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام و علامه حلی در کتاب قواعد الاحکام هر نوع سلاح آتش‌زا را ممنوع شمرده‌اند. ولی بیشتر فقهای شیعه، تنها سلاح‌های آتش‌زایی را که موجب سوزاندن درختان و محصولات کشاورزی، دام‌ها و انسان‌هایی می‌شود که کشتن آن‌ها در جنگ مجاز نیست ممنوع دانسته‌اند. نهی از به‌کارگیری آتش در جنگ در توصیه‌های نظامی پیامبر(ص) آمده، ولی فقها این‌گونه نهی را به معنای کراهت تعبیر کرده‌اند. در حالی که نهی از آتش زدن یا نهی از مسموم کردن آب‌ها در گفتار پیامبر یکجا آمده است و اغلب فقها نهی از مسموم کردن آب‌ها را تحریمی دانسته‌اند، ولی علامه حلی در قواعد الاحکام و شهید ثانی در الروضه هر دو مورد را مکروه شمرده‌اند. (عمید زنجانی ۱۳۹۰: ۱۳۰)

امروزه نیز با توجه به صدمات غیرضروری که استفاده از بمب‌های آتش‌زا این صدمات را به دنبال دارد، گرایش به سمت ممنوعیت از استفاده از آن به طور کلی می‌باشد. در طول مذاکرات دهه ۷۰ میلادی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در خصوص تصویب پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون سلاح‌ها، همین گرایش از طرف کشورها پیگیری شد و بیانیه‌های رسمی در حمایت از ممنوعیت کامل نیز از سوی چندین کشور ارائه شد. قوانین داخلی برخی کشورها همانند کلمبیا و آندورا و مجارستان استفاده از کلیه انواع سلاح‌های آتش‌زا را کاملاً ممنوع کرده است. و در سال ۱۹۷۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای در خصوص خلع سلاح عمومی و کامل تصویب کرد که در آن استفاده از بمب ناسالم و سایر سلاح‌های آتش‌زا را در تمام درگیری‌های مسلحانه نکوهش کرد (هنکرتز ۱۳۸۷: ۴۲۵). در خصوص سلاح‌های سمی و میکروبی و شیمیایی در معنای امروزی آن در متون روایی و نظریه‌های فقها مطلبی که وجود دارد، اختصاص به حرام بودن

مسموم کردن آب‌ها دارد ولی می‌توان از وحدت ملاک میان همه انواع سلاح‌های مذکور استفاده نمود و بکارگیری آن‌ها را مورد تحریم قرار داد. امام خمینی (ره) در طول جریان جنگ تحمیلی استفاده از سلاح‌های شیمیایی را در تضاد با مفاهیم دینی دانسته و کاربرد آن‌ها را مجاز نمی‌دانستند.

ممنوعیت استفاده از سم و سلاح سمی یک قاعده دیرپا در حقوق بین‌الملل عرفی است که قبلاً در کد لیبر و مقررات لاهه به رسمیت شناخته شده است. به کارگیری سم یا سلاح‌های سمی در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی به موجب ماده ۸ (۲) ب (۱۷) اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی جنایت جنگی محسوب می‌شود. دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در قضیه سلاح‌های هسته‌ای، اظهار داشته است که (سم) و سلاح سمی در رویه دولت‌ها به معنای عادی و متعارف آن شناخته شده که دربرگیرنده مفهوم سلاحی است که اثر اولیه یا منحصر آن ایجاد مسمومیت و خفگی است. (هنکرتز ۱۳۸۷: ۳۸۷)

در خصوص استفاده از سلاح‌هایی که منجر به کشتار وسیع و تلفات فراوان می‌شود در متون روایی و اقوال فقهی صراحتی وجود ندارد، ولی می‌توان حرمت استفاده از آن‌ها را به صورت ضمنی از لابه‌لای مباحث فقهی استخراج نمود (عمید زنجانی ۱۳۹۰: ۱۳۱). صاحب جواهر در رد نظریه محقق حلی مبنی بر مکروه شمردن استفاده از سم از راه مسموم کردن آب‌ها بیان می‌دارند از متن روایت سکونی از امام باقر (ع) که فرمود: «نهی النبی (ص) ان یلقى السم فی بلاد المشرکین» می‌توان چنین برداشت نمود چون استفاده از سم موجب کشته شدن کودکان، زنان، پیرها، مسلمانان و کسانی که کشتن آن‌ها جایز نیست می‌گردد، از این رو در حدیث به طور مطلق استفاده از سم منع شده است. (نجفی ج ۲۱: ۶۸)

امروزه می‌توان سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی و بیولوژیکی را در زمره سلاح‌های انهدام فراگیر یا جمعی دانست که طبق مقررات بین‌المللی استفاده از آن‌ها منع شده است. سلاح‌های هسته‌ای به موجب تعریف موجود در ضمیمه

شماره ۲ پروتکل سوم کنترل تسلیحات پاریس مورخ ۲۳ اکتبر ۱۹۵۴، هر سلاحی است که حاوی سوخت هسته‌ای یا ایزوتوپ‌های رادیواکتیو بوده است یا برای این منظور طراحی شده باشند و یا از آن مواد به عنوان سلاح انهدام فراگیر استفاده شود. (ضیائی بیگدلی ۱۳۸۰: ۱۸۹)

دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی خود در زمینه سلاح‌های هسته‌ای به تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ براساس حقوق بین‌الملل عرفی و قابلیت اعمال حقوق بین‌المللی بشردوستانه اعلام کرد: هیچ مجوزی برای تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای در مقررات عرفی و قراردادی حقوق بین‌الملل وجود ندارد. مع الوصف هیچ ممنوعیت جامع و جهانی در مورد تهدید به استفاده یا استفاده از سلاح هسته‌ای نیز در مقررات عرفی و قراردادی حقوق بین‌المللی وجود ندارد. (هنکرتز ۱۳۸۷: ۳۸۹)

سلاح‌های بیولوژیک نیز اصولاً سلاح‌هایی هستند که زیست موجودات زنده اعم از انسان، حیوان یا گیاه را در معرض خطر قرار می‌دهند. امروزه مهم‌ترین سندهای بین‌المللی اصلی ناظر بر ممنوعیت استفاده از سلاح‌های بیولوژیک در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی مبتنی بر پروتکل ژنو و کنوانسیون سلاح بیولوژیک است. در خصوص سلاح‌های شیمیایی نیز معاهدات متعددی از قبیل اعلامیه لاهه راجع به گازهای خفه‌کننده، پروتکل گاز ژنو، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی مطرح می‌باشند.

هیچ ماده‌ای به خودی خود ماده تهاجمی شیمیایی نیست، ولی زمانی چنین نامیده می‌شود که جهت اهداف مشخص ایجاد ضرر و خسارت، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. کلیه مواد گازی شکل، مایع و جامدی که در عملیات جنگی به کار گرفته می‌شوند و هدف از استفاده از آنها ایجاد ضرر و مرگ انسان، حیوان یا گیاه باشد، ماده تهاجمی شیمیایی است. (ضیائی بیگدلی ۱۳۸۰: ۱۶۶)

۲-۲-۲) هدایت عملیات جنگی

در حقوق بشردوستانه اسلامی، اتخاذ تصمیم در مورد روش‌ها و اقدامات مسلحانه در جنگ توسط فرماندهان براساس دو مبنا و اصل صورت می‌گیرد. نخست، باید تصمیمات نظامی مخالف موازین اسلامی نباشد و دوم اینکه بر مبنای کارشناسی و منطبق با مصلحت باشد. با مراجعه به مراجع گوناگون ۴۸ قاعده بنیادین در خصوص هدایت عملیات جنگی در اسلام استخراج می‌شود. به طور مثال می‌توان به منع اقدام به جنگ تنها با قصد خونریزی، کشتار و تخریب و یا آغاز به جنگ بدون هشدار نسبت به اعمال ممنوعه یا مثله کردن کشته‌شدگان، و یا کشتن کودکان و نوزادان و... اشاره کرد (عمید زنجانی ۱۳۹۰: ۱۳۲). در دوران معاصر نیز طی اسناد متعدد بین‌المللی، روش‌های مشخصی برای هدایت عملیات جنگی تعیین و تجویز شده‌اند. به طور مثال دولت‌ها از اعلام «امان ندادن» منع شده‌اند. موضوع منع نادیده گرفتن قاعده امان دادن که از دیرباز جزء حقوق بین‌الملل عرفی بوده است در کد لیبر، اعلامیه بروکسل و دستورالعمل آکسفورد مورد تأکید قرار گرفته شده و در مقررات لاهه نیز لحاظ شده است. براساس اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی، اعلام اینکه امان داده نخواهد شد جنایت جنگی محسوب می‌گردد. از جمله موارد دیگری که می‌توان به عنوان قواعد بنیادین در هدایت عملیات جنگی نام برد، اسناد مرتبط با انهدام و ضبط اموال، فریب، گرسنگی اجباری و دسترسی به کمک‌های بشردوستانه است که به جهت رعایت اختصار از بررسی آن‌ها خودداری می‌گردد.

۹۴

فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۲

نتیجه‌گیری

ترویج اصول بشردوستانه به نیت جلوگیری از گسترش دامنه مخاصمات و مراعات معیارهای انسانی و اخلاقی توسط طرفین درگیری‌های بین‌الملل و داخلی، با توجه به قدمت و وسعت دامنه تخریب جنگ‌ها، امروزه به صورت یک

جنبش فراگیر جهانی درآمده و مراجع بین‌المللی و دولت‌ها و سایر فعالان این حوزه، جهت ترویج و اعتلای آن در سطوح مختلف فعالیت می‌کنند. با توجه به مطالبی که بیان شد، این اصول بشردوستانه به قبل از آن که در اسناد بین‌المللی نظیر کنوانسیون‌های ژنو و لاهه به صورت مدون و موضوعه تدوین گردد، در حقوق اسلامی سابقه‌ی دیرینه‌ای داشته‌اند. با مذاقه در مفاهیمی که در قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار و آراء فقها وجود دارد، دغدغه حفظ کرامت انسانی و ارزش‌های وجودی آن در حوزه‌های مختلف، به خصوص در عرصه مخاصمات و منازعات مشاهده می‌گردد. این مدعا از اصول و مقررات مفصلی که درباره لزوم رفتار انسانی با جمعیت‌های غیرنظامی به ویژه زنان، کودکان، مجروحان جنگی، اسیران و سالخورده‌گان و سایر اقشار آسیب‌پذیر و نیز محدودیت‌هایی که برای مجاهدان اسلامی در خصوص چگونگی رو به رو شدن با قوای متخاصم همانند مسموم نکردن آب‌ها و استفاده نکردن از سلاح‌های آتش‌زا که باعث کشتار و تخریب غیرضروری می‌شوند و منع استفاده از سلاح‌هایی که منجر به کشتار جمعی می‌گردند، هدایت عملیات جنگی در راستای حفظ کرامت انسان ملحوظ نظر بوده است، قابل استنباط است. لذا با توجه به گسترش روزافزون دامنه منازعات و مخاصمات مسلحانه در دنیای کنونی علی‌رغم وجود اسنادی که در تدوین جهت‌گیری‌های کلی در راستای حفظ صلح و کرامت انسانی در مخاصمات بین‌المللی و داخلی نقش مهمی دارند، باز هم بشر معاصر بی‌نیاز از مراجعه و استفاده از متون اسلامی مرتبط با حقوق بشردوستانه نمی‌باشد و قطعاً در این راه نقش فقهای معظم در اجتهاد پویا و بیان احکام موضوعات مستحدثه با توجه به منابع اسلامی، احساس می‌شود. در زمینه‌های بین‌المللی نیز تلاش‌های خوبی در راستای ایجاد سازوکارها و قواعدی برای حفظ کرامت انسانی در مخاصمات مسلحانه صورت گرفته است. مع الوصف با توجه به نوپا بودن آن، هنوز به صورت جامع و کلی شاهد یک نظم

فراگیر و کارآمد در خصوص مخاصمات مسلحانه نمی‌باشیم و همین مطلب باعث گردیده است که هر روز شاهد نقض کرامت و ارزش‌های انسانی در حوزه‌های مختلف به خصوص در قلمرو مخاصمات مسلحانه باشیم. در حقیقت شاید ورای این اسناد، هنوز عزم و تصمیمی که قاطعانه دغدغه تلاش برای حفظ کرامت انسان را داشته باشد، به وجود نیامده است.



منابع

منابع فارسی:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی.
- ۳- آقای، بهمن، ۱۳۶۷. "حقوق بین‌المللی و سلاح‌های شیمیایی". مجله سیاست خارجی، سال دوم، شماره ۳.
- ۴- ابراهیمی، محمد، ۱۳۷۲. "اسلام و حقوق بین‌المللی". چاپ دوم. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها.
- ۵- راجرز، آنتونی، پ و مالوب پل، ۱۳۸۷. "قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه". ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۶- سلطان، حامد، ۱۳۷۲. "مفهوم اسلامی حقوق بشردوستانه". ترجمه مصطفی محقق داماد. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۹، مهر.
- ۷- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶. "فلسفه حقوق بشر". چاپ پنجم. قم: اسراء.
- ۸- _____، ۱۳۸۶. "حیات حقیقی انسان در قرآن". چاپ سوم. قم: انتشارات اسراء.
- ۹- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۷. "فقه سیاسی". چاپ دوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۰- عمید زنجانی، عباسعلی و همکاران، ۱۳۹۰. "حقوق بشردوستانه اسلامی بین‌المللی". تهران: انتشارات.
- ۱۱- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۰. "حقوق جنگ". چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۲- _____، ۱۳۸۷. "اسلام و حقوق بین‌الملل". چاپ هشتم. تهران:

انتشارات گنج دانش.

- ۱۳- محقق داماد، مصطفی، ۱۳۸۳. "حقوق بشردوستانه بین‌المللی، رهیافت اسلامی". چاپ دوم. بی‌جا: نشر علوم اسلامی.
- ۱۴- مرتضی، مطهری، ۱۳۷۹. "یادداشت‌های استاد مطهری". تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۵- فیشر، هورت، ۱۳۸۷. "حمایت از اسیران جنگی". ترجمه میر شهبیر شافع. انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش حقوق.
- ۱۶- مهرپور، حسین، ۱۳۸۶. "حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران". چاپ دوم. انتشارات اطلاعات.
- ۱۷- هنکرتز، ژان ماری و دوسوالدبک، لوئیس، ۱۳۸۷. "حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی". انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.

منابع عربی:

- ۱- ابن اثیر، مجدالدین المبارک بن محمد، ۱۴۲۲ق. "النهاییه فی غریب الحدیث و الاثر". بیروت: دارالمعرفه.
- ۲- ابن فارس، ۱۴۱۸ق. "معجم مقاییس اللغه". چاپ دوم. بیروت: دارالفکر.
- ۳- ابن هشام، ۱۹۸۵. "السیره النبویه". بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
- ۴- راغب اصفهانی، ابی‌القاسم حسین بن محمد، ۱۴۰۴ق. "المفردات فی غریب الحدیث و الاثر". چاپ دوم. تهران: دفتر نشر کتاب.
- ۵- حر عاملی، ۱۴۰۳ق. "وسایل الشیعه". تهران: مکتب الاسلامیه.
- ۶- نجفی، حسن، ۱۳۸۸. "جواهرالکلام". قم: انتشارات دارالتفکر.
- ۷- قرشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۷۶. "قاموس قرآن". چاپ دوازدهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۸- کرکی، علی بن حسین، بی‌تا. "جامع المقاصد".

۹۸

فصلنامه مطالعات
حقوق بشر اسلامی

سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۳۹۲

وبسایت‌ها:

- ۱- <http://www.islamihi.com>, ۱۳۹۱/۳/۲۷.
- ۲- <http://www.icrc.org>, ۱۳۹۱/۴/۴.
- ۳- <http://www.un.org>, ۱۳۹۱/۴/۲.
- ۴- <http://fa.wikipedia.org>, ۱۳۹۱/۳/۲۵.